

جامعه‌شناسی تاریخی

دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مقاله علمی پژوهشی

DOR: <http://dorl.net/dor/۲۰,۱۰۰۱,۱,۲۳۲۲۱۹۴۱,۱۴۰۱,۱۴,۲,۶,۴>

واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر عباسی

با تأکید بر عوامل اقتصادی تا پایان سده دوم

نصراله پورمحمدی املشی^۱، هادی خواجهی^{۲*}

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷)

چکیده

مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر عباسی زمینه جنبش‌های زیادی را رقم زده است. سلسله جنبش‌های سادات و به‌ویژه حسنیان بخش قابل توجهی از جنبش‌ها شیعی را در قرون مقتدم به خود اختصاص داده است. موضوع این پژوهش شناسایی و تحلیل زمینه‌های جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی با توجه به عوامل اقتصادی است. این پژوهش با روش تحلیلی به ارزیابی جنبش‌های حسنی از منظر جامعه‌شناختی می‌پردازد. این جنبش‌ها را می‌توان در رده جنبش‌های سنتی دسته‌بندی کرد. عواملی چون اختلافات شاخه حسنی و حسینی در مسائل مالی، اعمال فشارهای اقتصادی و تصرف اموال شیعیان توسط امویان و عباسیان، ناکامی

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

<https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۱۰۸۶-۰۰۸۵>

۲. دانشجوی دکتری تاریخ تمدن و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

*Hadi.Khajavi^{۱۳۵۹}@ut.ac.ir

<https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۹۳۱۶-۲۴۰۹>

حسینان در تصدی حکومت بعد از سقوط امویان، اندیشه قیام به سیف و اختلافات اعتقادی - مذهبی مسلمانان در حجاز و عراق در عصر عباسی زمینه جنبش‌های حسنی را فراهم کرد. از آرمان‌های جنبش حسینان می‌توان به مشروعیت و افضلیت فرزندان امام حسن، عدم مشروعیت عباسیان، عدالت اقتصادی، پای‌بندی به کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) و لزوم قیام امام بر علیه حاکم جائز، اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: خلافت عباسی، جنبش‌های حسنی، زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، کنشگران حسنی

مقدمه

ظهور جنبش‌های اجتماعی قدمتی به اندازه تاریخ دارد. در هر عصر و دوره‌ای شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عرصه را بر گروهی از مردم تنگ کرده است تا بر علیه حکومت‌ها قیام کنند. از جمله این جنبش‌ها در دوران پیشامدرن اسلامی می‌توان به سلسله جنبش‌های حسینان^۱ در عصر عباسی اشاره کرد. حسینان از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) و فرزند حسن مُثنی بودند^۲ (زنده در سال ۸۵ق) که در جریان مبارزه با امویان و به حکومت رسیدن عباسیان در سال ۱۳۲ هجری به یکی از گروه‌های معترض جامعه تبدیل شدند. از این جنبش‌ها می‌توان به قیام نفس زکیه^۳ (م ۱۴۵ق)، قتل باخمری^۴ (م ۱۴۵ق)، شهید فتح^۵ (م ۱۶۹ق)، یحیی بن عبدالله^۶ (م ۱۷۵ق) و ابن طباطبا^۷ (م ۱۹۹ق) در سده دوم و قلمرو شرقی خلافت عباسی اشاره کرد.

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به سؤال زیر است:

زمینه‌ها و مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مؤثر در جنبش‌های حسنی

چیست؟

واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

در راستای ارزیابی جنبش‌های حسنی ابتدا به ارزیابی وضعیت اقتصادی جوامع پیشامدرن، جامعه‌عباسی و درنهایت به تحلیل و تطبیق داده‌های تاریخی جنبش‌ها از منظر جامعه‌شناختی خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

تاکنون در پژوهش‌های متنوعی به دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری این جنبش‌های سریالی پرداخت شده است، لیکن به زمینه‌های جامعه‌شناختی این جنبش‌ها با تأکید بر عوامل اقتصادی توجهی نشده است. فرضیه این پژوهش بر این مسئله استوار است که شرایط اقتصادی سرزمین‌های اسلامی در عصر عباسی و عدم بهره‌مندی حسنیان به‌عنوان خاندان رسول خدا (ص) از امکانات اقتصادی در شکل‌گیری این جنبش‌ها تأثیر داشته است. این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی به تحلیل جنبش‌های حسنی از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌پردازد. مسئله اصلی این پژوهش تبیین زمینه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی مؤثر در شکل‌گیری جنبش‌های سریالی حسنیان است، در عین حال که ادعای این پژوهش، بر انحصار عوامل و دلایل جنبش‌ها در زمینه‌های اقتصادی صرف نیست. تا به حال پژوهش‌های زیادی به جنبش‌های حسنی پرداخته است. از این پژوهش‌ها می‌توان به مقالات «ارزیابی ماهیت سیاسی فکری جنبش شهید فخر در مقایسه با قیام کربلا» محمدرضا بارانی، «مفهوم امامت زیدی و تأثیر آن بر شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی اجتماعی شیعیان این فرقه در قرون دوم و سوم هجری قمری» یعقوب پناهی، «صاحب الزنج؛ چالشی دیگر در برابر دستگاه خلافت عباسی» حسین علی بیگی، «بررسی چگونگی مناسبات حسنیان و امامان شیعه تا سال ۱۴۵» و «واکاوی دلایل حمایت، همراهی و همگرایی اصحاب مذاهب اسلامی؛ زیدیه، معتزله و مرجئه با نخستین قیام‌های سادات حسنی تا سال ۱۴۵ هجری» لیلیا نجفیان رضوی اشاره

کرد^۱. بیشتر این تحقیقات بر عوامل و زمینه‌های مذهبی و سیاسی تأکید داشته‌اند، اما تا به حال پژوهشی در تبیین عوامل اقتصادی مؤثر در قیام‌های حسنی براساس نظریه‌های جامعه‌شناسی انجام نشده است.

اقتصاد جوامع پیشامدرن

اقتصاد جوامع پیشامدرن در سرزمین‌های اسلامی همانند بیشتر سرزمین‌ها مبتنی بر کشاورزی بود. مردها به‌عنوان جمعیت مولد در نظر گرفته می‌شدند و تولد اولاد ذکور تحت عنوان تولد یک کارگر تبیین می‌شد. تولد دختران به دلیل عدم بهره‌وری در کارهای یدی، عدم حضور در جنگ‌ها و عدم ادامه نسل از طریق آن‌ها مطلوب نبود. مقدار زاد و ولد زیاد بود؛ و مرگ و میر هم مقدار قابل توجهی داشت. جمعیت در سال‌های خوب افزایش و در سال‌های بد با قحطی، بیماری، جنگ و فجایع طبیعی کاهش می‌یافت (کرون، ۲۰۰۳، ص. ۴۰). ویژگی‌های غیراکتسابی همچون جنسیت، نژاد، خون، رنگ پوست و وابستگی به گروه یا طبقه‌ای خاص در این جوامع در مقایسه با ویژگی‌های اکتسابی همانند دانش و مهارت از اهمیت بسزایی برخوردار بود. در این شرایط اصل و نسب و طبقه اجتماعی تعیین می‌کرد که هر شخصی به چه شغلی بپردازد؛ نه نیازمندی اجتماعی و قابلیت‌های فردی (همان، صص. ۶۲-۶۳). معمولاً مشاغل به طبقه اجتماعی که شخص در آن متولد می‌شد، وابسته بود. بزرگ‌ترین مزیت این نظام عدم نیاز به نهادهای آموزشی ویژه برای مشاغل و آموزش سینه به سینه بود.

مهم‌ترین منبع عمده و قابل اتکای درآمد کشاورزی بود. درآمد این حرفه ناچیز بود و بدون ابزارهای مکانیزه کشاورزی، کود شیمایی و اصلاح نباتات درآمد قابل قبولی برای کشاورزان قابل تصور نبود. بزرگ‌ترین معضل کمبود غذا بود. تقریباً تمامی جوامع پیشامدرن دچار کمبود و تنگناهای معیشتی بودند. بیشتر مردم به جز افراد خاص به

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

کشاورزی مشغول بودند (همان، ص. ۴۰) در دوران پیشامدرن کشاورزان در درجه اول برای خود و خانواده خود غذا تولید می‌کردند (ویتفوجل، ۱۹۵۷، ص. ۳۵۶)؛ و برخلاف کشاورزان امروزی، محصولات را برای عرضه در بازار تولید نمی‌کردند و حضور پرنگی در بازارها نداشتند (کرون، ۲۰۰۳، ص. ۴۹). کشاورزان بیشتر ترجیح می‌دادند که از نظام تبادل کالا با کالا استفاده کنند و خود را درگیر مبادله پول با کالا نکنند. در این دوران زارعان اجاره‌بها یا مالیات خود را با بخشی از محصول خود به حاکمان پرداخت می‌کردند.

حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد مردم در روستاها به کشاورزی مشغول بودند (همان، ص. ۴۲) شهرها یا کوچک بودند یا تعدادشان ناچیز بود. کم‌بازده بودن کشاورزی، عدم وجود راه‌های مناسب و امن، نبود وسایل حمل و نقل مناسب برای تأمین مایحتاج شهرنشینان، توسعه شهرها را با مخاطره روبه‌رو می‌کرد (همان، ص. ۴۳) معمولاً شهرها در کنار بندرها، رودخانه‌ها یا آبراه‌ها بنا می‌شد؛ این مسئله جدای از فراهم کردن امکان حمل و نقل دریایی کالاهای مورد نیاز، منابع آبی شهر نیز را تأمین می‌کرد. کم‌کم با گسترش شهرنشینی بازارهای تولید محصولات کشاورزی هم توسعه یافت.

سختی حمل و نقل و ارتباطات، مردم را به دنیای کاملاً محلی زندگی‌شان محدود کرده بود. راه‌های مواصلاتی نامناسب و بازارهای ناکارآمد موجب به‌وجود آمدن بحران‌های اجتماعی در زمان‌های آفت، قحطی و خشکسالی می‌شد؛ چه‌بسا که ساکنان منطقه‌ای در تنگنای کمبود دست و پنجه نرم می‌کردند؛ در صورتی که در منطقه مجاور و نه چندان دور محصولات کشاورزی روی دست کشاورزان مانده بود (همان، ص. ۴۰). کمبودها و نارسایی‌ها اقتصادی موجب می‌شد انبوهی از افراد خانه‌به‌دوش، گدا، طرار و دیگر خرافکاران در گوشه و کنار شهرها جمع شوند (همان، ص. ۴۶).

بزرگ‌ترین مانع در توسعه اقتصاد زراعتی این بود که توانایی انتقال محصولات کشاورزی به مناطق دوردست به راحتی وجود نداشت.

تولید و تجارت در دوره پیشامدرن غالباً بر انسان و حیوان متکی بود. بنگاه‌های تولیدی به ندرت از حد و اندازه خانوادگی فراتر می‌رفتند (همان، ص. ۴۶) کسانی که برای دیگران کار می‌کردند و یا به کارهای یدی می‌پرداختند از جایگاه پایین و حقیری برخوردار و مجبور بودند به دستمزدهای کم و ناچیز اکتفا کنند. آهنگران، سفالگران، دستفروشان شهری و روستایی، حجامت‌گران، دلقک‌ها جزو این افراد به حساب می‌آمدند (همان، ص. ۴۷) در سرزمین‌های اسلامی از برده و برده‌های آزادشده برای کارهای مختلف استفاده می‌شد؛ و صاحبان کار ترجیح می‌دادند به جای استفاده از شاگردان و پادوهای آزاد از برده‌ها استفاده کنند.

تجارت‌های گسترده به دلیل عدم وجود وسایل حمل و نقل مناسب صرفاً به کالاهای نفیس، گران‌بها و آسان‌حمل همانند ادویه، پارچه‌های ظریف و فلزات گران‌بها، جواهرات، برده و اسب اختصاص داشت. این کالاها صرفاً مورد استقبال شاهان و اشراف قرار داشت و سود زیادی را نصیب تاجران می‌کرد. معمولاً تجارت به دستور حکومت و تحت نظارت آن‌ها انجام می‌شد.

شرایط اقتصادی عصر عباسی

در واقع می‌توان اقتصاد عصر عباسی را تابعی از اقتصاد جوامع پیشامدرن دانست. منابع درآمدی عباسیان بر خراج، جزیه، هدایا، غنیمت و اموالی که برای خلیفه در زمان جنگ با کفار کسب می‌شد، استوار بود. هرکدام از حکومت‌های سامانیان، صفاریان، غزنویان و سلجوقیان برای کسب مشروعیت و گرفتن امارت سرزمینی، اموال و غنیمت‌های فراوانی را برای خلفای عباسی ارسال می‌کردند. در عصر عباسی با ساخت راه‌ها و

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار
کاروان‌سراها، ایستگاه‌های نگهداری و ایجاد امنیت در راه‌ها بر تعداد بازارها و رونق
تجارت افزوده شد (خضری، ۱۳۷۸ش، ص. ۴۵؛ طقوش، ۱۹۹۸م، ص. ۷۴). تجارت از
طریق راه‌های آبی خلیج فارس، اقیانوس هند، دریای سرخ و دریای مدیترانه بین تمامی
سرزمین‌های اسلامی برقرار بود؛ و گستره پهناور حکومت عباسی همانند پل ارتباطی از
چین تا بیزانس کارکرد داشت. در عین حال که گروهی شکوفایی عصر عباسی را ناشی
از تجارت و موقعیت سوق‌الجیشی سرزمین‌های اسلامی در برقراری ارتباط تجاری
شرق دور و غرب مسیحی می‌دانند، اما نباید فراموش کرد که مبنای اصلی اقتصاد
سرزمین‌های اسلامی در عصر عباسی بر مبنای کشاورزی و مبتنی بر روستا بود؛ و بیشتر
مردم در روستاها در فقر به سر می‌بردند (بورلو، ۱۹۹۱م، ص. ۱۰۳). عمده مردم در
ایران، شام، مصر و عراق به کشاورزی مشغول بودند و تنها ۱۰ تا ۲۰ درصد مردم به
کارهایی غیر از کشاورزی همچون تجارت، صنعت و کارهای دیوانی اشتغال داشتند
(کرون، ۲۰۰۳، ص. ۴۶).

شاید بتوان با نظریه استبداد شرقی وضعیت کشاورزی متکی بر آب عصر عباسی را
به خوبی تبیین کرد. حکومتی، که طبقه حاکم و وابستگان به آن نقش چندگانه‌ای را، هم
در مالکیت زمین، گرفتن خراج و آب‌رسانی به عهده داشته است (ویتفولگ، ۱۹۵۶،
ص. ۳۵۶). کمبود آب و سیستم آب‌رسانی در شرق نظارت و سامان‌دهی دولت را طلب
می‌کرد. این دولت مازاد اقتصادی تولیدکنندگان را به صورت مالیات و بهره مالکانه
تصاحب می‌کرد. این عدم برخورداری کشاورزان از مازاد تولید باعث شد که پس‌انداز
پول و سرمایه در بین کشاورزان وجود نداشته باشد. اکثر مردم از جایگاه اجتماعی و
درآمد پایینی برخوردار بودند. در عین حال که با توسعه و ساخت شهرهایی چون بغداد
بر رونق اقتصادی و مرکزیت تجاری سرزمین‌های اسلامی افزوده شد، اما همچنان تقریباً

تنها منبع درآمد مردم عادی به کشاورزی و آب متکی بود. به این معنا که اکثر مردم در تنگنای اقتصادی برای امرار معاش به کشاورزی مشغول بودند. مردم قدرت خرید کالاهای گران‌قیمت چون جواهرات، فرش، لباس و ظرف‌های قیمتی را نداشتند و خرید این کالاها در انحصار خلفا، درباریان، بزرگان و ثروتمندان بود (پرگاری و خدابخشی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۹).

وضعیت اقتصادی مردم تابعی از نژاد، قوم، نحوه ارتباطشان با حکومت و جایگاه اجتماعی‌شان بود (ویتفوجل، ۱۹۵۷، ص. ۳۵۱). در بیشتر زمان‌ها تلاش و سعی مردم عادی نقشی را در رفاه و جایگاه اجتماعی‌شان بازی نمی‌کرد. برخلاف جوامع مدرن امروزی که طبقات اجتماعی تحت تأثیر مسائل اقتصادی شکل گرفته است، مهم‌ترین مناسبات اجتماعی تحت تأثیر نسب، جنسیت، قومیت و توارث تعیین می‌شد. ثروت وابستگی شدیدی به قدرت و نظام سیاسی داشت. فقر و ضعف از عدم وابستگی به حکومت، بزرگان و اشراف ناشی می‌شد.

حتی بازرگانان که از درآمد و ثروت خوبی برخوردار بودند؛ جزو طبقه اشراف به حساب نمی‌آمدند؛ به گونه‌ای که اشراف عرب تجارت را در شأن و مقام خود نمی‌دانستند (ولی، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۲). فتوحات اسلامی بازار ورود برده‌ها و غیربومی‌ها را به سرزمین‌های اسلامی رونق فراوانی داده بود. از برده‌ها و برده‌های آزاد شده به گستردگی در کشاورزی، تولید کالاهای مختلف، کارهای سنگین و پرخطر استفاده می‌شد. این افراد به دلیل عدم برخورداری از جایگاه اجتماعی در بیشتر اوقات بر شاگردان و پادوهای آزاد ترجیح داد می‌شدند (نک: کرون، ۲۰۰۳، ص. ۶۶). مالکان زمین در سده سوم حکومت عباسی فرماندهان ترک، وزرای ثروتمند و خانوادگی ملاک بودند که زمین در حکم منبع ثروت آن‌ها به حساب می‌آمد؛ و به سبب بهره‌برداری

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

از بردگان در کشتزارهای جنوب عراق روز به روز بر ثروت آن‌ها افزوده می‌شد (طقوش، ۱۹۹۸، ص. ۲۰۲). تنگناهای معیشت اقتصاد کشاورزی، تبعیض نژادی بین عرب و عجم و بهره‌برداری‌های سخت و طاقت‌فرسا از بردگان در بسیاری از موارد به نارضایتی‌های عمده و نقش‌آفرینی مردم فقیر و بردگان در جنبش‌ها و قیام‌های اجتماعی منجر می‌شد؛ همانند پیوستن غلام‌های زنگی آفریقایی به صاحب‌الزنج که از کارهای سخت و طاقت‌فرسا به ستوه آمده بودند (بیگی، ۱۳۸۶، ص. ۷۶). همچنین جایگاه اجتماعی پایین غیرمسلمانان نسبت به عرب‌ها و مسلمانان در موارد زیادی سبب فقر، تنگدستی و نارضایت‌ها را فراهم کرده بود؛ همانند پیروان بابک خرم‌دین (مقدسی، ۱۹۶۲، ج. ۶/ص. ۱۱۶). یاران و همراهان استادیس در جریان قیام، مردمی بودند که با ابزاری همانند بیل و تبر در قیام مشارکت داشتند؛ و این نشان از تعلق آن‌ها به طبقات پایین و فقیر جامعه بود (رضازاده لنگرودی، بی‌تا، ج. ۸/ص. ۳۲۹۲). همچنین می‌توان به رواج دعوت حمدان بن اشعث معروف به قرمط در میان کشاورزان سواد، طبقات فقیر و عرب‌های مشتاق غنیمت اشاره کرد (طقوش، ۱۹۹۸، ص. ۲۰۸). تنگناهای اقتصادی باعث شده بود که گروهی از افراد از طریق تکدی‌گری و دزدی امرار معاش کنند (بورلو، ۱۹۹۱، ص. ۱۳۱). از این گونه افراد می‌توان به کارگران و باربران در بصره تحت عنوان زط‌ها اشاره کرد؛ این گروه به دلیل درآمد کم و فقر دست به غارت و چپاولگری می‌زدند (نک: خضری، ۱۳۷۸، ص. ۹۳) یا به گروهایی اشاره کرد که با حمله به محله‌های ثروتمند شهر بغداد به غارت و دریافت باج سیل از توانگران اقدام می‌کردند (بورلو، ۱۹۹۱، ص. ۱۳۱).

تجارت و تولید در عصر عباسی بیشتر در خدمت شکوه و فره ایزدی خلیفه و سلاطین قرار داشت. تجارت کالاهای تجملاتی و غیرضروری هم سود خوبی را به سبب

مشتریان خاص خود همانند شاهزادگان، درباریان و ملاکان نصیب بازرگانان می‌کرد؛ و هم در راستای قدرت، عظمت، برتری و انگاره *ظَلَّ اللهُ* بودن طبقه حاکم و عباسیان بود. تولید و صنعت در این عصر بر مبنای نساجی و بافندگی قرار داشت (بورلو، ۱۹۹۱، ص. ۱۰۹). کارگاه‌های تولید به شیوه ساسانیان و بیزانس تحت نظر مستقیم حکومت عباسی اداره می‌شد. از نمونه‌های شاخص آن می‌توان به کارگاه‌های «طراز» در شهرهای بغداد، تنس و دمیاط اشاره کرد که به تولید پارچه‌های قیمتی و لباس‌های زربافت که جزو ملزومات و هدایان دربار عباسی بود می‌پرداخت (همان، ص. ۱۰۸).

جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی عصر عباسی

تبیین ساختار حکومتی عباسیان با نظریه استبداد شرقی مارکس و دیگر جامعه‌شناسان زمینه‌های زیاد و مساعدی را برای فهم جنبش‌های گوناگون با ایدئولوژی‌های مختلف در گستره سرزمین‌های اسلامی به وجود آورده است. اصطلاح جنبش اجتماعی اولین بار توسط سن‌سیمون^{۱۰} در اوایل قرن ۱۹ مطرح شد؛ و در طول قرن نوزده این نظریه‌ها تحت تأثیر افرادی چون کارل مارکس^{۱۱} و ماکس وبر^{۱۲} توسعه و گسترش یافت. معمولاً جنبش‌ها در دوران پیشامدرن در راستای احیا و ظهور یک ایدئولوژی و زندگی بهتر در مقابل حکومت‌ها شکل می‌گرفت؛ و به تغییر ساختار سیاسی منجر می‌شد. در واقع جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش دسته‌جمعی برای پیش‌برد منافع مشترک، یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهاد‌های رسمی تعریف کرد (گیدنز، ۱۹۷۶، ص. ۶۷۹). این حرکت‌ها به علت درخواست مردم انگیزته یا تحریک‌شده‌ای به وجود می‌آمد که با تکیه بر یک ایدئولوژی به دنبال حل مشکل و مسئله خود بودند^{۱۳}. همچنین برخی از مسائل اجتماعی همچون بازرنگری در هنجارها یا ارزش‌ها، تخصیص طبقاتی، فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی هم در شکل‌گیری این جنبش

واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار
ها نقش آفرینی کرده است^{۱۴} (زاهد، ۱۳۹۴، ص.۷). از سوی دیگر رابطه‌گرایی چون
دیویس، مک کارتی، زالد، تیلی، ویلسن و ملوچی به اهمیت بسیج ناراضیان به‌وسیله
احساسات اعتقادی، هویتی و ایدئولوژی اشاره داشتند (همو، ۱۳۸۹، ص.۱۵۰).

تبارشناسی جنبش‌ها

تمامی قیام‌ها و جنبش‌های اجتماعی عصر عباسی از جمله قیام‌های حسنیان را می‌توان
در گروه جنبش‌های سنتی یا کلان‌نگر دسته‌بندی کرد. جنبش‌های سنتی و کلان‌نگر
معمولاً در جوامع پیشامدرن که ساختارها و نهادهای دموکراسی در آن‌ها استقرار پیدا
نکرده، ساختار حکومت استبدادی است و امکان اصلاحات مسالمت‌آمیز و قانونی
وجود ندارد، به وقوع می‌پیوندد. به تعبیر دیگر می‌توان این جنبش‌ها را انقلابی دانست.
جنبش‌هایی که حکومت برای اعلام اعتراض و نارضایتی خود کانال و مجرای را در
اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد (جلایی‌پور، ۱۳۸۹، ص.۱۲۸-۱۳۳). جنبش‌های سنتی با
اهداف و آرمان‌های بلندپروازانه درصدد واژگونی نظام مستقر بودند. همچنین از لحاظ
عملی کاملاً رادیکال بوده و بعضاً از بطن آن‌ها جنبش‌های چریکی و مسلحانه رشد
کرده است. در این جنبش‌ها اهداف و آرمان‌های جنبش بر وجود فیزیکی افراد برتری
داشت؛ و می‌توان افراد را فدای هدف و ایدئولوژی جنبش کرد. در واقع تمامی
ویژگی‌های جنبش‌های سنتی از قبیل انسداد اجتماعی^{۱۵}، تلاش برای سرنگونی، چریکی
و مسلحانه بودن جنبش و برتری آرمان‌ها و ایدئولوژی جنبش بر جان مشارکت‌کنندگان
در قیام را، می‌توان در جنبش حسنیان و قیام‌های زیدی عصر عباسی مشاهده کرد. در
جنبش‌های سنتی رهبران اقتدار خود را از عواملی غیراکتسابی همانند نسب، نژاد،
قومیت و خون دریافت می‌کنند. این یکی از ویژگی‌هایی است که در جنبش‌های حسنی
به شدت نقش آفرینی می‌کند. آن‌ها از ذریه رسول خدا(ص) و نسل حضرت فاطمه(س)

بودند و از محبوبیت ویژه‌ای در بین مردم برخوردار بودند. این وابستگی خونی، قابلیت ارائه یک ایدئولوژی جدید تحت عنوان اندیشه قیام به سیف^{۱۶} و پذیرش آن توسط مردم را برای آن‌ها به ارمغان آورد.

اهداف جنبش‌های حسنی

جنبش‌های سنتی برای دستیابی به اهداف خود به مقابله با حکومت روی می‌آوردند. معمولاً هدفشان براندازی و جایگزینی حکومت‌ها، تغییر ساختار اجتماعی براساس یک ایدئولوژی خاص و یا تأمین هدفی مشترک (گیدنز، ۱۹۷۶، ص. ۶۷۹) بود. هدف این جنبش‌ها معمولاً مبارزه با ظلم و ستم حاکمان، فقر، شکاف طبقاتی و بهبود وضع معیشتی و رهایی از استثمار بود. این جنبش‌ها یا سرکوب می‌شدند و یا به انقلاب‌هایی تبدیل می‌شدند و ساختار سیاسی و بعضاً ساختار اجتماعی و اقتصادی جدیدی را به وجود می‌آوردند (زاهد، ۱۳۹۴، ص. ۱۵).

در جنبش‌های سنتی باید بین هدف مردم عادی و رهبران جنبش تمییز قائل شد. رهبران جنبش معمولاً برای کسب و ارتقای جایگاه اجتماعی خود، تصدی حکومت، بهره‌مندی از امکانات اقتصادی و یا به دست آوردن جایگاه اجتماعی از دست داده خود، قیام می‌کردند. در حالی که مردم عادی نقش نیروی جنگاورانه را بازی می‌کردند؛ و صرفاً براساس نارضایتی‌های معیشتی و بعضاً داشتن ایدئولوژی‌های ویژه در قیام مشارکت داشتند. اهداف و آرمان‌های جنبش بر جان و وجود فیزیکی افراد برتری داشت و در مواقع نیاز می‌بایست جان خود را فدا می‌کردند.

یکی از اهداف جنبش‌های حسنی در عصر عباسی کسب جایگاه اجتماعی مناسبی بود که برای خود متصور می‌دانستند. در واقع حسنیان به دلیل این‌که از جهت نسب و نزدیکی با رسول‌خدا (ص) خود را برتر از عباسیان می‌دانستند (طبری، ۱۳۸۷،

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار
ج. ۷/ص. ۵۶۸؛ به دنبال به دست آوردن جایگاه اجتماعی خود و تصدی حکومت بودند.
همچنین بیعت عباسیان در ابواء در سال ۱۲۹ق با نفس زکیه (ابن طباطبا، ۱۴۱۸ق،
ص. ۱۲۰) از موارد دیگری بود که انگیزه احقاق حق و بازپس‌گیری حکومت ازدست
رفته را در حسنیان تقویت می‌کرد.

از دیگر اهداف حسنیان می‌توان به آرزوی دیرینه آن‌ها برای ادامه امامت در خاندان
آن‌ها و اختلافاتشان با سادات حسینی اشاره کرد. در واقع عبدالله محض از ادامه امامت
در شاخه حسینی بعد از شهادت امام حسین^(ع) ناخشنود بود و شواهد تاریخی حاکی از
نزاع و مجادلات وی با امام صادق^(ع) بر سر این موضوع دارد^{۱۷} (کلینی، ۱۴۰۷ق،
ج. ۱/ص. ۳۵۹؛ صدوق، بی تا، ج. ۱/ص. ۲۰۹). بر همین اساس نفس زکیه در جریان قیام
خود پس از تسلط بر مدینه بر ستاندن بیعت از امام صادق به‌عنوان بزرگ حسینیان
اصرار داشت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱/ص. ۳۶۳). این مسئله به خوبی می‌تواند حاکی از
تلاش حسنیان برای به‌دست آوردن مشروعیت و تثبیت جایگاه امامت در خاندان
خودشان باشد.

طبقه یا جایگاه اجتماعی رهبران جنبش‌های حسنی

در جوامع پیشامدرن همچون جامعه اسلامی عصر عباسی طبق نظریه مارکس دو طبقه
ملاکین و کارگران وجود داشته است (گیدنز، ۱۹۷۶، ص. ۴۱۱). مارکس بر عوامل
اقتصادی به‌عنوان شکل‌دهنده طبقه اجتماعی تأکید دارد (همان، ص. ۴۱۳). همچنین
به دلیل عدم مالکیت خصوصی در شیوه تولید آسیایی، روابط طبقاتی متضاد بین
نیروهای اجتماعی در شرق شکل نمی‌گیرد؛ خصیصه اجتماعی شرق رویارویی آحاد
مردم یا گروهی از مردم در مقابل دولت است (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۵،
صص. ۲۸۶-۲۸۸). اما با توجه به ویژگی‌هایی که جامعه‌شناسان از طبقه اجتماعی ارائه

داده‌اند^{۱۸}؛ باید جامعه عصر عباسی را عاری از طبقات اجتماعی تبیین کرد. شاید بتوان براساس نظریه «جایگاه اجتماعی» لاین تحولات جامعه عصر عباسی را تشریح کرد. وی جایگاه اجتماعی را تفاوت میان احزاب و گروه‌های اجتماعی از جهت احترام و اعتبار اجتماعی تعریف می‌کند (Lynn, ۲۰۱۲, p. ۲۷۲) لذا بررسی جایگاه اجتماعی سادات به‌ویژه حسنین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بهره‌مندی‌های اقتصادی و مالی برای دو شاخه حسنی و حسینی از فرزندان رسول خدا^(ص) از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. از جهت جامعه‌شناسی در جامعه آن روز پذیرفته شده نبود که افرادی که به جایگاه اجتماعی عرب تعلق دارند؛ و از فرزندان رسول‌الله^(ص) هستند از راه کشاورزی و یا کارگری امرار معاش کنند. این مسئله خلاف شأن اجتماعی عرب و هاشمیان تلقی می‌شد. شایسته و بایسته بود که سادات عرب به جای کشاورزی که شغل توده مردم سرزمین‌های اسلامی عصر عباسی بود از طریق رهبری، جنگاوری، سیادت و برتری خود بر مردم دیگر امرار معاش کنند. به همین دلیل تلاش حسنین برای سرنگونی حکومت، اقامه عدل و برقراری تساوی اقتصادی مابین مردم از موقعیت‌هایی بود که هم با شأن سیادت، جنگاوری و جایگاه اجتماعی عرب و سادات تناسب داشت؛ و هم از طریق ظلم‌ستیزی، جایگاه ویژه ذریه رسول خدا^(ص) بین مردم را تثبیت می‌کرد. در عین حال که موقوفات و صدقاتی که از طریق رسول خدا^(ص) و به‌خصوص امیرمؤمنان علی^(ع) برای طالبیان باقی مانده بود (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج. ۲/ص ۱۹۹ و ج. ۳/ص. ۲۳۰؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ص. ۱۲۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج. ۲/ص. ۲۳) موید جایگاه والای اجتماعی ایشان در بین مردم بود. حرمت و احترام ذریه رسول خدا^(ص) نیز جایگاهی در اجتماع برایشان به‌وجود آورده بود که حسنین را از فعالیت‌های یدی باز می‌داشت؛ درواقع یکی از کارهایی که طالبیان به آن اهتمام داشتند

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار
تولیت موقوفات و صدقات^{۱۹} (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج. ۲/ص. ۱۹۹ و ج. ۳/ص. ۲۳۰)،
دانش‌اندوزی و مرجعیت علمی مسلمانان بود. همچنین سخاوت طالبیان و اعطای اموال
به مردم و نیازمندان، آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌داد (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۴۲۷)
که تنگدستی و فقر برای آن‌ها تحمل‌ناپذیر و دشوار بود. در گزارشی بر عدم توانایی
یحیی‌بن‌عبدالله بر مئونه یک سال خود اشاره شده است (همان، ج. ۲/ص. ۱۲۱)؛ و این
حاکمی از تنگدستی بعضی از حسنیان است. لذا به غیر از تعداد اندکی از حسنیان
همانند امام باقر^(ع)^{۲۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۵/ص. ۷۴)، امام صادق^(ع)^{۲۱} (کلینی، ۱۴۰۷ق،
ج. ۵/ص. ۷۴ و ج. ۵/ص. ۷۶؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج. ۳/ص. ۱۶۳) و امام کاظم^(ع)^{۲۲} (کلینی،
۱۴۰۷ق، ج. ۵/ص. ۷۶)؛ گزارشی درمورد مابقی طالبیان و حسنیان همچون عبدالله
محض^{۲۳} (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۱۶۷) در اهتمام آن‌ها به کشاورزی وجود نداشته
و این گونه کارها خلاف شأن و جایگاه اجتماعی آن‌ها تصور می‌شد.

عناصر جنبش‌ها

با بررسی دقیق هر جنبش اجتماعی می‌توان سه عنصر زمینه اجتماعی، کنشگرها و
ایدئولوژی را شناسایی کرد (زاهد، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۳). کنشگرها افرادی هستند که با
رفتار، انتخاب‌ها و تصمیم‌های خود نقش فعالی را در جنبش‌ها ایفا می‌کنند. لکن رفتار
کنشگرها نتیجه ایدئولوژی، نگرش آن‌ها به هستی، پدیده‌های اجتماعی و امکانات
اقتصادی است؛ زمینه اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان یک میدان برای واقعیت بخشیدن و
آماده کردن کنشگران و ایدئولوژی‌ها عمل می‌کند. در عین حال که زمینه اجتماعی خود
با شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی تغییر می‌کند. رهبران جنبش، اندیشه‌های بدیع را در
بستر زمینه‌های اجتماعی اظهار می‌کنند و ایدئولوژی‌های جدیدی را به‌وجود
می‌آورند. این اندیشه‌ها کم‌کم جزو آرمان‌های جنبش قرار می‌گیرد. کنشگران و

رهبران جنبش از طریق سخنرانی و خطابه؛ و مشارکت‌کنندگان در جنبش به صورت دهان به دهان و جانفشانی به ترویج این آرمان‌ها و اهداف اقدام می‌کنند (همان، ۱۳۹۴، ص. ۸). جنبش‌های اجتماعی تحت تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی همچون بازنگری در هنجارها یا ارزش‌ها، تخصص طبقه‌ای، اجتماعی، سیاسی و یا فقر شکل می‌گیرد. اشتراک آن‌ها در جمعی بودن اعتراض، داشتن ایدئولوژی و زمینه اجتماعی نامطلوب است (همان، ص. ۷). در ادامه بررسی تک تک عناصر جنبش‌های حسنی خواهیم پرداخت.

زمینه اجتماعی

درواقع سرمنشأ زمینه‌های اجتماعی قیام‌های حسنیان را باید در نارضایتی مردم و به‌ویژه موالی از حکومت اموی جست‌وجو کرد. مردم خلفای اموی را مؤمنانی راستین نمی‌دانستند (کرون، ۲۰۰۵، ص. ۸۰)؛ و از تعصب عربی، برتری عرب بر عجم، عدم پای‌بندی به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) ناراضی بودند. این نارضایتی‌ها در میان غیرعرب‌ها، ایرانی‌ها، طالبیان و خوارج از ابعاد گسترده‌تری برخوردار بود. به صورتی که امویان در عین اسلام آوردن اهالی خراسان نسبت به عدم پذیرش اسلام آن‌ها و اخذ جزیه از آن‌ها اقدام می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج. ۷/ص. ۱۷۳). تا آنجا که غیرعرب‌ها شهروندان درجه دومی تلقی می‌شدند که از امتیازات اجتماعی مساوی برخوردار نبودند^{۲۴} (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۵، ص. ۷). برای امویان پیروی از موالی همچون پیروی از بردگان به حساب می‌آمد^{۲۵} (کرون، ۲۰۰۵، ص. ۱۱۴). این نارضایتی‌ها، گروه‌های مختلف مخالف همچون طالبیان، عباسیان، خوارج و موالی را در اوایل سده دوم برای مبارزه با امویان و سرنگونی آن‌ها هم‌قسم کرد. مرگ هشام‌بن‌عبدالملک خلیفه اموی در سال ۱۲۵ موفقیت ویژه‌ای برای دعوتی که با شعار «الرضا من آل محمد» انجام می‌شد،

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

به ارمغان آورد. از میان مخالفان اموی و سادات، فرزندان حسن مثنی و به‌ویژه عبدالله محض و پسران وی یعنی نفس زکیه و ابراهیم نقش قابل توجهی را در مبارزه و سرنگونی امویان به عهده داشتند.^{۲۶}

همچنان‌که حسنیان از ادامه امامت در نسل فرزندان امام حسین^(ع) ناراضی بودند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱/ص. ۳۵۹) اندیشه‌هایی همانند قیام به سیف و مشروعیت سادات و ذریه رسول خدا^(ص) نزد مردم انگیزه فراوانی را برای تصدی حکومت در میان حسنیان به وجود آورد. در واقع بیعت سفاح و منصور عباسی در ابواء با نفس زکیه و معرفی وی تحت عنوان مهدی و منجی حاکمی از جایگاه ویژه حسنیان و فرزندان عبدالله محض، میان مردم و مقبولیت آن‌ها نزد عباسیان داشت (ابن طباطبا، ۱۴۱۸ق، ص. ۱۲۰). رابطه عباسیان و حسنیان در هنگام دعوت و مبارزه حسنه بود. هنگامی که انقلاب با انتقال خلافت به آل عباس پایان یافت حسنیان بر این باور رسیدند که عباسیان آن‌ها را فریب دادند (طوقوش، ۱۹۹۸م، ص. ۴۸). لذا براساس نظریه محرومیت نسبی^{۲۷} تدابیرت^{۲۸} گر^{۲۸} (دلیری، ۱۳۸۲، ص. ۸۱۸) حسنیان که تصور داشتند که تنها پیروز عرصه مبارزه با امویان هستند، بعد از پیروزی عباسیان دچار سرخوردگی شدند؛ و با راه‌اندازی سلسه جنبش‌های زنجیره‌ای در صدد احقاق حقی که توسط بیعت ابواء و تمایل مردم به سادات و انتظارات مردم در رهبری حسنیان به وجود آمده بود، برآمدند. این حق از طرف فقهای همانند ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۳۱۵)، مسعر بن کدام (م ۱۵۳) (همان، ص. ۳۱۴) و مالک بن انس (م ۱۷۹) (همان، ص. ۲۴۹) هم به رسمت شناخته شده بود.

عباسیان در ابتدای حکومت خود تلاش خود را معطوف به از بین بردن اختلاف‌هایی کردند که ریشه آن در سقیفه، قتل عثمان، جنگ‌های داخلی و اختلافات

صحابه بود (خواجه‌جوی، ۱۳۹۷، ص. ۳۷). لذا سرزمین‌های اسلامی عصر عباسی جولانگاه فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی چون خوارج، مُرجئه، قَدَریه، طرفداران امویان و طالبیان اعم از حسینیان و حسینیان بود. این تشنت فرهنگی و اعتقادی نقش مهمی را در شکل‌گیری جنبش‌های حسنی و مشارکت گروه‌ها و فرقه‌ها در این جنبش‌ها بازی می‌کرد. در نهایت تا پایان سده دوم عباسیان توانستند با تئوریزه کردن اندیشه سنت و جماعت^{۲۹} و ترویج عقیده تَبیع خلفا^{۳۰} بر این اختلافات چیره شوند و ریشه بسیاری از عوامل تفرقه و شورش را خشک کنند. از طرف دیگر حکومت عباسی به‌عنوان نمونه‌ای از حکومت آب سالار شرقی^{۳۱} از تحمل نیروهای سیاسی سرباز می‌زد و با هراس افکندن در دل مردم حکومت می‌کرد (ویتفولگ، ۱۹۵۷، ص. ۳۲۰). این سیاست‌ها احساس ناامیدی را در میان مردم به‌وجود می‌آورد که در صورت مهار نشدن سبب شکل‌گیری شورش‌ها بود (همان، ص. ۳۱۹). در دیدگاه گرب^{۳۲} نیروهای مورد نیاز برای جنبش‌های اجتماعی در هر دوره توسط همان ساخت اجتماعی در درون خودش شکل می‌گیرد (گرب، ۱۳۷۳، صص. ۴۱-۴۵).

رعب و وحشتی که عباسیان از نفس زکیه داشتند باعث سخت‌گیری جانی و مالی بر عبدالله بن محض و فرزندانش شد. به صورتی که عباسیان در تلاش برای جلوگیری از تحرک و فعالیت‌های سادات و به‌ویژه نفس زکیه، به تصرف و توقیف اموال آن‌ها اقدام می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷، ج. ۱۱/ص ۴۸۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج. ۹/ص. ۱۹۴؛ ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۳۳۸). در این شرایط چاره‌ای جز قیام و فرار برای آن‌ها باقی نمی‌ماند. سخت‌گیری عباسیان به گونه‌ای بود که برای آگاهی از مکان اختفای نفس زکیه پدر وی را در زندان به قتل رساندند (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۱۷۱).

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

از دیگر زمینه‌های اجتماعی قیام‌های حسنی می‌توان به فقر و تنگدستی بسیاری از مردم همانند غیرعرب‌ها، کارگران و غیرمسلمانان اشاره کرد. به نظر می‌رسد که نگرش فرودستان جامعه ایرانی بیشتر در گرایش به این جنبش‌ها بر جنبه‌های ملموس دین اسلام همچون عدالت اجتماعی قرار داشته است (کریمی، ۱۳۹۵، ص. ۶۳). این فشارهای اقتصادی باعث شده بود که بسیاری از مستضعفان و طبقات فقیر و محروم جامعه به امید رهایی از رنج‌های خود در قیام‌هایی چون قیام ابراهیم فرزند عبدالله محض مشارکت داشته باشند (طقوش، ۱۹۹۸م، ص. ۵۱). همچنین گروه‌هایی چون معتزله و امویان هم در قیام ابراهیم مشارکت داشتند. جدای از اینکه همسر ابراهیم نبیره عثمان خلیفه مقتول بود؛ و این مسئله در گرایش امویان به وی بی‌تأثیر نبوده است (همان، ص. ۵۱). ابراهیم در خطبه خود در مسجد کوفه به اعطای اموال به مردم در صورت موفقیت اشاره می‌کند (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۲۸۹). تعقیب طالبیان و قطع مواجب و ارزاقی که توسط مهدی عباسی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ق) به طالبیان اعطا می‌شد در عصر هادی عباسی (حک: ۱۶۹-۱۷۰ق) همانند کاتالیزوری زمینه قیام شهید فخر را فراهم کرد (یعقوبی، بی‌تا، ج. ۲/ص. ۴۰۴). همچنین محمد بن ابراهیم طباطبا نیز ما را در قیام خود از فقر مردم باخبر می‌کند (همان، ج. ۲/ص. ۵۲۷). درنهایت فشارهای مالی و جانی عباسیان به‌ویژه بر طالبیان (خضری، ۱۳۷۸، ص. ۳۶۳) سبب افزایش ناراضایتی و شکل‌گیری جنبش‌ها و قیام‌های نارسی شد که زودتر از موعد آشکار شدند همانند قیام نفس زکیه و برادرش ابراهیم بن عبدالله باخمری (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۲۷۵).

کنشگران

در جامعه‌شناسی جنبش‌ها، نقش قابل توجهی برای کنشگران جنبش در نظر گرفته شده است. مارکس براساس دیدگاه انسان‌گرایانه خود به اهمیت کنش انسانی به‌عنوان سازنده هستی اجتماعی در کنار شرایط مادی حیات اجتماعی تأکید دارد (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۲). هانس‌تاک^{۳۳} شرایط روانی عاملان و کنشگران اجتماعی را مهم توصیف می‌کند (امیرمظاهری، ۱۳۹۱، ص. ۱۰). در واقع شرایط اقتصادی، بافت و ساخت اجتماعی، نیروها و کنشگران لازم برای جنبش اجتماعی را، در درون خود به‌وجود می‌آورد (گرب، ۱۳۷۳، صص. ۴۱-۴۵). این کنشگران و نیروها به‌دلیل مشکلات، محرومیت‌های مالی، تضادهای فرهنگی، مذهبی و یا سیاسی در بستر جامعه فعال می‌شوند و در چارچوب یک گروه اجتماعی به مبارزه اقدام می‌کنند. در واقع کنشگران اجتماعی در مقام رهبری، باورها و مطالبات جنبش را تعیین می‌کنند (امیرمظاهری، ۱۳۹۱، ص. ۹). تاک معتقد است زمانی که یک فرد با مشکل و مسئله‌ای در جامعه روبه‌رو می‌شود؛ اگر توسط حکومت و یا نهادهای اجتماعی برای حل مشکل وی تلاشی صورت نگیرد فرد نسبت به آن مشکل واکنش نشان می‌دهند و انگیزتگی به‌وجود می‌آید. می‌توان جنبش‌ها را به گونه‌ای دور هم جمع شدن افراد انگیزتخته جامعه توصیف کرد که در نهایت به‌وسیله یک ایدئولوژی اعتراض و قیام سامان‌دهی می‌شوند (همان، ص. ۱۱). این مسئله در شکل‌گیری جنبش‌های حسنی خودنمایی می‌کند. در واقع می‌توان عوامل انگیزتگی حسنیان به‌عنوان رهبران جنبش را در عدم پای‌بندی عباسیان به بیعتشان با نفس زکیه و تصاحب حکومت تبیین کرد. در عین حال که در انگیزتگی‌های حسنیان نمی‌توان از مواردی چون محرومیت از امکانات اقتصادی، تصرف اموالشان توسط عباسیان و تنگدستی غفلت کرد. منصور بعد از قیام نفس زکیه اموال و املاک حسنیان به‌خصوص عبدالله محض پدر نفس زکیه را تصرف کرد

واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

(ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۳۶۵). از مشکلات مالی و انگیزه‌های اقتصادی کنشگران حسنی می‌توان به بدهکاری حسین صاحب فسخ (همان، ص. ۳۶۹)، کم شدن مواجب ابوالسریا^{۳۴} فرمانده نظامی شورش ابن طباطبا (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج. ۴/ص. ۱۱۴)، ناراحتی ابن طباطبا از فقر مردم (یعقوبی، بی‌تا، ج. ۲/ص. ۲۵۷) و تنگدستی و بدهکاری یحیی بن عمر^{۳۵} (همان، ج. ۱/ص. ۵۰۶) اشاره کرد. کنشگران حسنی به‌عنوان رهبران قیام موقعیت و جایگاه کاریزماتیک خود را از نسبت خود با رسول خدا (ص)، موقعیت علمی خود به‌عنوان دانشمندان و فقیهان (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۲۰۷) مورد مراجعه مردم، کسب می‌کردند. گزارش‌های تاریخی نفس زکیه را از بزرگان حسنی، عالم به کتاب خدا، فقیه در دین، شجاع و بخشنده توصیف کرده است^{۳۷} (همان، ص. ۱۵۸). در عین حال که جایگاه اجتماعی ویژه آن‌ها اقتضا می‌کرد که بر دیگر مردم سروری و برتری داشته باشند؛ و از مزیت‌های مالی و اقتصادی برخوردار باشند. از طرف دیگر شکست قیام‌های نفس زکیه، ابراهیم و شهید فسخ تجربه‌های ارزشمندی را در اختیار حسنیان قرار داد. سرانجام این تجربه‌ها و قیام‌های متوالی توانست آن‌ها را متوجه اهمیت جغرافیای مرکز قیام کند؛ به گونه‌ای که یحیی بن عبدالله و ادریس بن عبدالله با فهم این موضوع در سرزمین‌های دورتری از مرکز حکومت عباسی دست به شورش زدند. اوج موفقیت این قیام‌ها را می‌توان استقرار حکومت ادریسیان در مغرب به مدت دو سده دانست.

ایدئولوژی

مهم‌ترین رکن جنبش ایدئولوژی است؛ و از اهمیت بسزایی در شکل‌گیری جنبش برخوردار است. ایدئولوژی شامل مجموعه عقاید به هم مرتبط است که توسط گروهی از نیروهای اجتماعی در راستای پیش‌برد اهداف جنبش به‌کار گرفته می‌شود. ایدئولوژی

در راستای جنبش به توجیه مشروعیت رهبران و جنبش می‌پردازد؛ و آرمان‌ها و آرزوهایی را برای مشارکت‌کنندگان در جنبش ترسیم می‌کند. ایدئولوژی یک جنبش اجتماعی، آن چیزی است که اعضا در تلاشند تا با یکدیگر به آن برسند و آرزویشان این است که با همراهی هم بدان دست یابند (مظاهری، ۱۳۹۱، ص. ۱۰). در واقع مردم انگیزه مشارکت‌کننده در جنبش‌ها در تلاش هستند که با تکیه بر ایدئولوژی، مشکل و مسئله خود را حل کنند.

در طول یک سده‌ای که از شهادت امام حسین (ع) تا ظهور جنبش‌های حسنی گذشته بود، همواره آرمان شیعیان و بخش قابل توجهی از مسلمانان بر رفع محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار داشت؛ و خواستار حکومت‌های عادل، پای‌بند به سنت و کتاب خدا بودند (نک: خواجه‌جو، ۱۳۹۷، ص. ۲۳). به صورتی که صاحب‌فخ در هنگام قیام و بیعت در سخنرانی خود اهداف قیام را در عمل به کتاب خدا، سنت رسول‌الله (ص)، عدالت و تقسیم عادلانه اموال تبیین می‌کند^{۳۸} (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۳۷۸). همچنین ابن‌طباطبا انگیزه خود از قیام بر علیه عباسیان را فقرا توصیف کرد^{۳۹}.

از ایدئولوژی جنبش‌های حسنی می‌توان به اندیشه قیام به سیف اشاره کرد. در واقع ایدئولوژی امامت هر کدام از فرزندان فاطمه (س) را که بر علیه حکومت‌های جائر قیام کند می‌توان ایدئولوژی بسیار مهمی در جنبش‌های حسنی متصور دانست. این ایدئولوژی تحت تأثیر فشارهایی که شیعیان و مردم عادی از ظلم و ستم امویان و عباسیان تحمل می‌کردند، بعد از قیام زید بن علی (م ۱۲۲ق) طرفداران بسیاری پیدا کرد و در عصر عباسی تکامل یافت. این ایدئولوژی در عین حال که راه‌زیدیان را از امامیه جدا می‌کرد از مزیت ویژه‌ای برخوردار بود. با این اندیشه حسنیان هم می‌توانستند شیعه

واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

باقی بمانند؛ و هم راهی برای رهایی از ظلم و ستم را برایشان باز می‌کرد. چراکه رویکرد امامان شیعه از شاخهٔ حسینی بعد از امام حسین (ع) در حفظ و بقای خط امامت از طریق مصالحه بود. در جریان سرنگونی امویان پیشنهاد رهبری قیام از جانب ابوسلمه خَلال (م ۱۳۲ق) توسط امام صادق (ع) رد شد (مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۳/ص ۳۱۸). همچنین در عصر عبدالملک پیشنهاد رهبری قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث کندی (م ۸۵ق) از طرف امام سجاد (ع) پذیرفته نشد؛ لکن مورد پذیرش حسن مثنی قرار گرفت. از طرف دیگر این اندیشه راه حلی برای ناخرسندی حسنیان بر عدم ادامهٔ امامت در شاخهٔ حسنی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱/ص ۳۵۹)، رهایی شیعیان از ظلم و ستم عباسیان و خیانت عباسیان در تصاحب حق حکومت نفس زکیه به حساب می‌آمد. از ویژگی ایدئولوژی حسنیان می‌توان به انعطاف‌پذیری اعتقادات آن‌ها اشاره کرد به گونه‌ای که قابلیت این را داشت که تمامی گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی از شیعیان، معتزله، مُرَجئه را در بر بگیرد. اخبار تاریخی حاکی است که در جریان قیام‌های حسنی تعصب خاصی بر روی اجرای احکام شیعی وجود نداشته است. به گونه‌ای ابراهیم بن عبدالله در جریان قیام خود در بصره در اعتراض به اقامهٔ نماز میت با چهار تکبیر به روش اهل سنت، حفظ وحدت و یکپارچگی را مهم‌تر توصیف کرده است (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۸۸). همچنین بعضی از مرجئان قدری مذهب که قائل به انتخاب خلیفه از طریق شورا و خلع خلیفهٔ ظالم بودند به‌عنوان مخالفانی آمادهٔ قیام در قیام‌های حسنی مشارکت داشتند (همان، ص ۳۱۹).

از دیگر ایدئولوژی‌های جنبش حسنیان می‌توان به مشروعیت و افضلیت فرزندان امام حسن بر فرزندان امام حسین (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱/ص ۳۵۹)، عدم مشروعیت عباسیان^{۴۰} (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۷/ص ۵۶۸) پای‌بندی به کتاب خدا و سنت رسول خدا

(ص)، عدالت اقتصادی^{۴۱} (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ص. ۳۷۸)، لزوم قیام امام بر علیه حاکم جائز، لزوم آگاهی امام به علوم دینی و شجاعت امام اشاره کرد^{۴۲} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۸/ص. ۳۶۴). در واقع هم رهبران جنبش حسنی بر عدم مشروعیت عباسیان از جهت فاطمی نبودن ایشان تأکید داشتند و هم فقهای چون ابوحنیفه، مالک بن انس و سفیان ثوری (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ص. ۳۲۹) بر عدم مشروعیت عباسیان تصریح داشتند. حسنیان معتقد بودند که علم شریعت و آگاهی از حلال و حرام در میان مردم عادی جامعه یافت نمی‌شود؛ و فقط خاندان پیامبر از آن برخوردارند^{۴۳} (کرون، ۲۰۰۵، ص. ۱۹۱) و شایستگی رهبری جامعه اسلامی را دارند.

نتیجه

بافت اجتماعی عصر عباسی بستر شکل‌گیری سلسله جنبش‌هایی بود که به سرکردگی سادات حسنی انجام شد. جنبش‌هایی که براساس انگیزتگی طالبیان حسنی و نارضایتی آن‌ها از تصدی حکومت توسط عباسیان و تنگناهای مالی و معیشتی شکل گرفت. در عین حال که منشأ تکوین مهم‌ترین ایدئولوژی این قیام‌ها یعنی قیام به سیف، در ظلم، ستم، سخت‌گیری‌های جانی و مالی امویان بر شیعیان و کناره‌گیری امامان شاخه حسینی از سیاست بعد از شهادت امام حسین^(ع) قرار داشت. در این میان ظلم و ستم عباسیان، فقر مردم، تشنگی فرهنگی و اعتقادی مردمان قلمرو جدید حکومت عباسی، در همراهی و مشارکت در این جنبش‌ها نقش اساسی ایفا کرد. مشارکت طالبیان در سرنگونی امویان و بیعت ابواء با نفس زکیه بحران مشروعیت مهمی را برای عباسیان به وجود آورد؛ تا آنجا که بسیاری از فقها به حمایت از قیام‌های حسنی فتوا دادند. از طرف دیگر بهره‌مندی از امکانات مالی برای سادات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ به گونه‌ای که در تصدی اموال، موقوفات و صدقات بین حسنیان و حسینیان اختلاف وجود داشت.

واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار

در این میان فشارهای اقتصادی عباسیان بر حسنیان، آتش نارضایتی زیر خاکستر آن‌ها را شعله‌ور کرد. جایگاه ویژه اجتماعی و مرجعیت علمی - مذهبی حسنیان به‌عنوان ذریه رسول خدا (ص)، آن‌ها را در پای‌بندی به آرمان‌هایی چون کتاب خدا و سنت نبوی ثابت‌قدم می‌کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسنیان به فرزندان حسن بن علی بن ابی‌طالب ملقب به حسن مثنی و به‌ویژه در عصر عباسی بیشتر بر فرزندان عبدالله بن حسن مثنی معروف به عبدالله محض همچون محمد، ابراهیم، ادیس و یحیی اطلاق می‌شود.
۲. فرزند امام حسن مجتبی (ع) و از بزرگان علوی بود. وی در واقعه کربلا حضور داشت و مجروح شد و توانست جان سالم بدر ببرد.
۳. محمد بن عبدالله بن حسن مثنی در سال ۱۴۵ در مدینه علیه منصور قیام کرد.
۴. ابراهیم بن عبدالله بن حسن مثنی در سال ۱۴۵ در بصره علیه منصور و در پشتیبانی از نفس زکیه قیام کرد.
۵. حسین بن علی بن حسن مثنی در سال ۱۶۹ در مکه علیه هادی قیام کرد.
۶. یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی در سال ۱۷۶ در دیلم علیه هارون الرشید قیام کرد.
۷. محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن مثنی در کوفه قیام کرد، اما در مدت زمان کوتاهی گستردگی جغرافیایی قیام به بصره، اهواز و حجاز هم سرایت کرد.
۸. برای اطلاعات بیشتر درمورد این مقالات به بخش منابع مراجعه شود.
۹. ثروت بازرگانان به گونه‌ای بود که در مواقع ضروری توانایی پرداخت وام‌های سنگین به حکومت را داشتند (میکل و لوران، ۲۰۰۴م، ج. ۱/ص. ۲۲)

۱۰. Henri de Saint-Simon

۱۱. Karl Marx

۱۲. Max Weber

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۱۳. تاک و بلومر این دیدگاه را در راستای نگرش فردگرایانه خود ارائه داده‌اند (زاهد، ۱۳۹۴ش، ص.۷).

۱۴. اسملسر، تورن و سکات با نگرش جبرگرایی اجتماعی به این مسئله نگرسته‌اند (همان).

۱۵. انسداد اجتماعی (social closure) به معنای توزیع نابرابر امتیازهای اجتماعی و فرصت‌ها در میان مردم عادی است، به صورتی که عده‌ای اندک بر تمام یا بیشتر منابع قدرت و ثروت دسترسی داشته و در مقابل اکثریت افراد جامعه چنین دسترسی‌ای ندارند.

۱۶. اندیشه قیام به سیف از ویژگی‌های قیام‌های حسنی و زیدی است. اما مسلماً این اندیشه منشأ تمامی قیام‌های شیعی نیست.

۱۷. اخبار زیادی حاکی از اعتراض عبدالله محض به امام صادق در زمینه ادامه امامت در خاندان امام حسین وجود دارد. تا آنجا که وی ابراز کرد که: «اگر حسین (ع) عدالت می‌ورزید باید بعد از خود امامت را به بزرگ‌ترین فرزند حسن (ع) واگذار می‌کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱/ص. ۳۵۹).

۱۸. طبقه اجتماعی گروه‌بندی بزرگی از کسانی است که در منابع و امکانات اقتصادی مشترکی سهیم‌اند، به طوری که این این امکانات اقتصادی تأثیر زیادی بر سبک زندگی آن‌ها به وجود آورده است. طبقات معمولاً براساس امتیازهای حقوقی یا دینی شکل نمی‌گیرد. عضویت در طبقه بر مبنای موقعیت موروثی و براساس سنت و رسم تعیین نمی‌شود. طبقه هر فرد تقریباً اکتسابی است و صرفاً به هنگام تولد تعیین نخواهد شد (گیدنز، ۱۹۷۶م، ص. ۴۰۹).

۱۹. در این زمینه می‌توان به اختلاف زید بن علی با عبدالله محض (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج. ۲/ص. ۱۹۹) و اختلاف امام باقر (ع) با عبدالله محض بر سر تولیت صدقات اشاره کرد (همان، ج. ۳/ص. ۲۳۰).

۲۰. محمد بن مُنکدر نیز امام باقر (ع) را در بیرون مدینه در حال سرکشی به مزرعه خود دیده است.

۲۱. اخبار زیادی مبنی بر انجام کارهای یدی امام صادق (ع) وجود دارد.

۲۲. حسن بن علی بن ابی حمزه از پدرش نقل می‌کند که امام کاظم (ع) را در حالی که در زمین خود کار می‌کرده و عرق می‌ریخته است دیده است.

۲۳. کان عبدالله بن الحسن بن الحسن بنی هاشم، والمقدم فیهم وذا الكثير منهم فضلا، ועلما وکرما.

واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... _____ نصراله پورمحمدی املشی و همکار

۲۴. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که تعداد زیادی از عرب‌های یمینی و قیسی در خراسان ساکن شده بودند و نبض تجارت و موقعیت این سرزمین را در دست داشتند.

۲۵. به صورتی که اگر عرب در هنگام حمل بار با غیرعرب برخورد می‌کرد وی را به حمل بار بلاعوض مجبور می‌کرد (امین، ۱۳۱۵، ص. ۴۱ و ۴۲).

۲۶. گفتنی است که امامان شیعه و شاخه‌حسینی طالبیان در مقایسه با حسینیان تمایل کم‌تری به مبارزه و تصرف حکومت داشتند.

۲۷. براساس نظریه محرومیت نسبی چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود، دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه آن آسیب رساندن به منبع محرومیت است. بر این اساس محرومیت نسبی تفاوت درک‌شده بین خواسته‌ها و داشته‌های افراد است.

۲۸. Ted Robert Gurr

۲۹. اندیشه سنت و جماعت بر عدم قضاوت در مورد صحابه به‌خصوص امیرمؤمنان علی(ع)، عثمان و معاویه به‌دلیل تفرقه‌انگیز بودن تأکید دارد؛ و تلاش برای حکومت صالح و خروج از جماعت را ممنوع می‌داند.

۳۰. تأکید بر مشروعیت خلفای چهارگانه برای جلوگیری از اختلاف.

۳۱. گفتنی است که برای مدیریت و بهره‌برداری از آب دیوانی تحت عنوان «دیوان الماء» در عصر عباسی وجود داشته است (اخلاقی و صفری فروشانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷).

۳۲. Edward G. Grabb

۳۳. Hans Tak

۳۴. ابوالسریا فرمانده نظامی شورش ابن طباطبا از سپاه هرثمه بن اعین به‌دلیل کاستن از مواجیش جدا شد و به ابن طباطبا پیوست.

۳۵. یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن ابی طالب از سادات حسینی است.

۳۶. منابع تاریخی بر بدهکاری افرادی چون محمد بن جعفر دیباج از حسینیان (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص. ۴۴۱) اشاره کرده‌اند.

۳۷. و کان (نفس زکیه) من افضل اهل بینه و اکبر اهل زمانه فی زمانه فی علمه بکتاب الله و حفظه له و فقهه فی الدین و شجاعته و جوده و باسه.

۳۸. صاحب فخر آرمان‌ها و اهداف قیام خود را در هنگام بیعت این‌گونه بیان می‌کند: «و علی أن نعمل

فیکم بکتاب الله وسننه نبیه (ص)، والعدل فی الرعیه، والقسم بالسویة»

۳۹. ابن طباطبا در همان ایام که محرمانه زمینه نهضت خود را فراهم می‌ساخت روزی در کوچه‌ای از

کوچه‌ها پیرزنی خمیده‌قامت و نگون‌بخت را دید به‌دنبال حمال‌هایی که کیسه‌های پر از خرما به

دوش می‌کشید می‌رفت و دانه‌های خرمایی را که از دوش حمال‌ها می‌افتاد برمی‌داشت و به دامن

پیراهن خود که سخت چرکین و فرسوده بود می‌ریخت. محمد بن ابراهیم پیش رفت و گفت: مادر

اینجا چکار می‌کنی. پیر زن جواب داد: زنی فرتوت هستم و مردی نان‌آور ندارم. دختران کوچکی

دارم که نمی‌توانند نان خودشان را تأمین کنند چون از دستشان کاری ساخته نیست؛ من همه روزه

دنبال حمال‌ها می‌دوم تا این خرما را جمع کنم و بدین وسیله معاش خود و بچه‌هایم را تهیه

می‌کنم. محمد بن ابراهیم به گریه افتاد و سخت گریست و گفت: «بخدا تو و امثال تو هستید که

مرا از خانه بدر می‌کشید تا بر ضد این دستگاه قیام کنم و سرانجام در خون خود بغلطم.»

۴۰. نفس زکیه در نامه‌ای به منصور حکومت وی را غیرمشروع توصیف می‌کند: حکومت حق ماست و

شما به نام ما دعوی این کار کرده‌اید و به کمک شیعیان ما قیام کرده‌اید و به برکت ما توفیق

یافته‌اید، پدر ما علی، وصی بود و امام بود، چگونه ولایت او را به ارث برده‌اید در صورتی که

فرزندان وی زنده‌اند. و نیز می‌دانی که هیچ‌کس به طلب این کار بر نیامده که به نسبت و حرمت و

وضع، و حرمت نیاکان همانند ما باشد. نسب من از دو سوی به پیمبر خدای می‌رسد صلی الله علیه

و سلم از سوی حسن و از سوی حسین که نسب من از همه بنی هاشم والاتر است و پدرم از همه

خالص‌تر، که از عجمان ریشه ندارم و کنیزان فرزندانم به من پیوستگی نداشته‌اند، حق من از تو به

این کار بیشتر است و پیمان را بیشتر از تو رعایت می‌کنم که تو پیمان و امانی به من می‌دهی که به

کسانی پیش از من داده‌ای. چگونه امانی به من می‌دهی؟ امان ابن‌هبیره یا امان عمویت عبد الله بن

علی یا امان «ابو مسلم»؟»

۴۱. شهید فخر در خطابه قیام و بیعت خود مردم را به کتاب خدا، سنت رسول خدا(ص) و عدالت در

تقسیم عطایا دعوت می‌کند.

۴۲. ادعای نفس زکیه در مقابل امام صادق(ع) این بود که من از تو شجاع‌تر، بخشنده‌تر و داناتر هستم.

واکاوای جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار
۴۳. خانم کرون این تعبیر را برای زیدیه به‌کار برده است، لکن با توجه به نزدیکی بسیار زیاد اعتقادات
و ایدئولوژی زیدیه و حسنیان نگارنده در متن با اغماض این اعتقاد را برای هر دو گروه متصور
دانسته است.

منابع

- ابن اثیر، ع. (۱۳۸۵ق). *الکامل*. بیروت: دارصادر.
- ابن خلکان، ش. (۱۹۹۴م). *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*. محقق ا. عباس. بیروت: دارصادر.
- ابن طباطبا، م. (۱۴۱۸ق). *الفخری فی آداب السلاطینیه*. به کوشش عبدالقادر. بیروت: دارالقلم
العربی.
- ابوالفرج اصفهانی، ع. (بی تا). *مقاتل الطالبیین*. محقق ا. صقر. بیروت: دارالمعرفه.
- ابوالحسن تنهایی، ح.، عبدی، م.، و دلاوری، ا. (۱۳۹۵). *دیالکتیک اقلیم و جنبش‌های اجتماعی
در اندیشه مارکس*. جغرافیا، ۱، ۲۶۷-۲۹۶.
- امیر مظاهری، ا.م.، و قره تپه، ش. (۱۳۹۱). *نقش کنشگران اجتماعی در جنبش مشروطیت با
رویکرد هانس تاک*. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۴، ۷-۲۸.
- امین، ا. (۱۳۱۵). *ضحی الاسلام (پرتو اسلام)*. ترجمه ع. خلیلی. تهران: نشر مطبوعه مجلس.
- بارانی، م.ر.، و طاهری کل کشوندی، م. (۱۳۹۳). *ارزیابی ماهیت سیاسی فکری جنبش شهید فخر
در مقایسه با قیام کربلا*. *شیعه‌شناسی*، ۴۶، ۱۸۱-۲۰۴.
- بلاذری، ا. (۱۴۱۷ق). *جمل من انساب الاشراف*. محقق س. زکار و ر. الزرکلی. بیروت:
دارالفکر.
- بورلو، ج. (۱۹۹۱م). *تمدن اسلامی*. ترجمه ا. علوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان
قدس.
- پرگاری، ص.، و خدابخشی کاسگری، س. (۱۳۹۶). *تجارت مسلمانان و عوامل مؤثر بر رونق و
توسعه آن در پایان عصر اول عباسی*. *تاریخ نو*، ۱۹، ۱۵۳-۱۸۴.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

پناهی، ی.، چلونگر، م.ع.، منتظرالقائم، ا.، و سعیدی، و. (۱۳۹۶). مفهوم امامت زیدی و تأثیر آن بر شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی اجتماعی شیعیان این فرقه در قرون دوم و سوم هجری

قمری. نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۲۱، ۶۳-۸۸.

ترکمنی آذر، پ. (۱۳۸۵). عرب‌تباران خراسان و نقش آنان در سقوط امویان. فرهنگ، ۶۰، ۱-۲۴.

جلایی پور، ح.ر. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی. تهران: طرح نو.

حسینان مقدم، ح. (۱۳۹۳). واکاوی شعار عباسیان در ذهنیت عمومی جامعه. پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۱۳، ۲۷-۵۴.

خضری، ا.ر. (۱۳۷۸). تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه. تهران: سمت.

خواجوی، ه. (۱۳۹۷). سیر تحول سنن‌نگاری تا قرن سوم هجری با تأکید بر منابع اهل سنت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی. تهران: دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

رضازاده لنگرودی، ر. (بی‌تا). استادسیس. دانشنامه بزرگ اسلامی، ۳۲۹۲/۸.

زاهد زاهدانی، س.س. (۱۳۸۹). جنبش‌های سیاسی معاصر ایران. تهران: نشر کتاب طه.

زاهد زاهدانی، س.س. (۱۳۸۷). نظریه‌ای در مورد جنبش‌های اجتماعی. تهران: هیئت حمایت از

کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ویژه علوم انسانی و معارف اسلامی، سازمان انتشارات.

زاهد زاهدانی، س.س.، و بذرافکن، م. (۱۳۹۴). جنبش‌های ایرانی در اساطیر ایرانی مورد

مطالعه: جنبش ایرانی کاوه در شاهنامه فردوسی. جامعه‌شناسی تاریخی، ۳، ۱-۲۴.

سام دلیری، ک. (۱۳۸۲). سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گر. مطالعات راهبردی،

۲۲، ۸۲۶-۸۱۳.

شیروودی، م.، و عابدی، س.م. (۱۳۹۳). عوامل موفقیت علویان و سادات در تأسیس دولت‌های

اسلامی شیعی. سخن تاریخ، ۲۰، ۱۲۱-۱۴۱.

- واکاوی جامعه‌شناختی جنبش‌های حسنی در عصر... ————— نصراله پورمحمدی املشی و همکار
- صفری فروشانی، ن.، و سادات اخلاقی، م. (۱۳۹۳). *حیات اقتصادی امامان: از صلح امام حسن تا آغاز غیبت صغری*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- صدوق، م. (بی‌تا). *علل الشرایع*. بی‌جا: منشورات المكتبة الحیدریه و مطبعها فی النجف.
- صدوق، م. (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه*. محقق: ع. غفاری. بی‌جا: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- طبری، م. (۱۳۸۷ق). *تاریخ الرسل و الملوک*. بیروت: دارالتراث.
- طقوش، م. س. (۱۹۹۸م). *دولت عباسیان*. ترجمه ح. جودکی. محقق ر. جعفریان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علی‌بیگی، ح. (۱۳۸۶). *صاحب الزنج؛ چالشی دیگر در برابر دستگاه خلافت عباسی*. نامه تاریخ‌پژوهان، ۱۱، ۷۵-۱۰۱.
- کرون، پ. (۲۰۰۵م). *تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام*. ترجمه م. جعفری. تهران: سخن.
- کرون، پ. (۲۰۰۳م). *جامعه‌های ماقبل صنعتی*. ترجمه م. جعفری. تهران: ماهی.
- کریمی الوار، ک.، و پوراحمدی، ح. (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی جامعه‌شناسی دین کارل مارکس و مارکس وبر با تأکید بر جنبش بابک خرم‌دین*. مطالعات تاریخ فرهنگی: پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، ۲۸، ۴۹-۷۴.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. محققان: ع. غفاری و م. آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- گرب، ج. ا. (۱۳۷۳). *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه م. سیاهپوش و ا. غروی زاد. تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه م. صبوری. تهران: نشر نی.
- مسکویه، ا. (۱۳۷۹). *تجارب الامم*. محقق ا. امام. تهران: سروش.
- مسعودی، ع. (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه ق. پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- مقدس، م. (۱۹۶۲م). *البدء و التاريخ*. تهران: چاپ افست.
- میکل، آ.، و لوران، ه. (۲۰۰۴م). *اسلام و تمدن اسلامی*. ترجمه ح. فروغی. تهران: سمت.
- مفید، م. (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. مصحح مؤسسه آل بیت. قم: کنگره شیخ مفید.
- ناصری، ع. (۱۳۹۶). جنبش‌های نوین اجتماعی در عرصه جهانی شدن. *آفاق علوم انسانی*، ۷، ۳۹-۵۴.
- نجفیان رضوی، ل. (۱۳۹۲). بررسی چگونگی مناسبات حسنیان و امامان شیعه تا سال ۱۴۵. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۱۶، ۱۶۷-۱۶۹.
- نجفیان رضوی، ل. (۱۳۹۱). واکاوی دلایل حمایت، همراهی و همگرایی اصحاب مذاهب اسلامی؛ زیدیه، معتزله و مرجئه با نخستین قیام‌های سادات حسنی تا سال ۱۴۵هجری. *مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۱۱، ۹۷-۱۲۴.
- ولی، ع. (۱۳۸۰). *ایران پیش از سرمایه‌داری*. ترجمه ح. شمس‌آوری. تهران: نشر مرکز.
- ویتفوجل، ک. آ. (۱۹۵۷م). *بررسی تطبیقی قدرت تام استبداد شرقی*. ترجمه م. ثلاثی. تهران: ثالث.
- یعقوبی، ا. (بی‌تا). *تاریخ*. بیروت: دار صادر.

Lynn, F., Sauder, M., & Podolny, J. M. (۲۰۱۲). *Status: Insights from Organizational Sociology*. *Annual Review of Sociology*, 38, ۲۶۷-۲۸۳.

Sociological analysis of Hassani movements in the Abbasid era With emphasis on economic factors

Nasrollah Pourmohamadi Amlashi^۱, Hadi khajavi*^۲

Received: ۲۰/۰۹/۲۰۲۰ Accepted: ۲۸/۱۱/۲۰۲۲

Abstract

The social, economic and political contexts of the Abbasid era have given rise to many movements throughout history. The series of Sadat movements and especially Hassanian has occupied a significant part of these movements. The subject of this research is to identify and analyze the sociological contexts of Hassani movements according to economic characteristics. This research analyzes Hassani movements from a sociological perspective using a library method. These movements can be categorized as traditional movements. Historical evidence suggests that economic benefits have historically been significant to Sadat. It was not socially acceptable for Sadat to earn a living through agriculture or labor. Instead of farming, which was the occupation of the masses, Sadat deserved to earn a living through war, leadership, sovereignty, and superiority over other people. In fact, the Hassanids realized that with the government they could overcome their financial disputes with their Hosseini brothers; And to fulfill in practice Abdullah's long-standing wish to continue the Imamate in the Hassani branch; And to overcome the financial and economic

^۱ Professor of History Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

<https://orcid.org/0000-0002-1086-0080>

^۲ Phd student of History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author)

*Hadi.Khajavi^{۱۳۵۹}@ut.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-9316-2409>

possibilities of the Islamic Caliphate Among the ideals of the Hassanian movement are the legitimacy and superiority of the sons of Imam Hassan, the illegitimacy of the Abbasids, economic justice, adherence to the Book of God and the Sunnah of the Prophet (PBUH) and the need for the Imam to rise up against the ruler.

KeyWords: Hassani movements; sociology; economic possibilities; Hassani activists; Sadat; Abbasid era.

